



ایران بیاید بنشینیم مذاکره کنیم. همین رفتار غیر منطقی، در این دعوت به مذاکره هم وجود دارد. غرض آنها حل مشکلات و مسائل نیست – که من بعد توضیح خواهم داد – غرضشان يك كار تبلیغاتی است برای اینکه به ملت‌های مسلمان نشان دهند که ببینید این نظام جمهوری اسلامی بود با آن سر سختی، با آن ایستادگی، اما عاقبت مجبور شد بیاید باب مصالحه و گفتگو را با ما باز کند. وقتی ملت ایران اینجور است، شماها چه می‌گوئید دیگر؟ این را برای خاموش کردن و ناامید کردن ملت‌های سر برافراشته ی مسلمان که امروز در بسیاری از کشور های اسلامی اینها نسیم بیداری وزیده است و به خاطر اسلام احساس عزت میکنند، لازم دارند. از اول انقلاب، این یکی از هدف‌ها بود. از سال‌های اول انقلاب، یکی از هدف‌های آنها همین بود که ایران را پای میز مصالحه و بده بستان بکشانند؛ بگویند بالاخره دیدید ایران هم که ادعا میکرد مستقل است، ایستاده است، نترس است، شجاع است، مجبور شد بیاید بنشیند پای میز مذاکره؟ امروز هم همین هدف را دنبال میکنند. این، مطلب مهمی است.

*** هدف آنها از مذاکره، يك هدف غیر مربوط به مسائل اساسی است، يك هدف تبلیغاتی است**

وقتی هدف از مذاکره، يك هدف غیر مربوط به مسائل اساسی است، يك هدف تبلیغاتی است، خب معلوم است طرف مقابل که جمهوری اسلامی است، خام نیست، چشم بسته نیست، می فهمد که هدف شما چیست؛ لذا متناسب با همان نیت خودتان، جواب شما را میدهد.

*** معنای حقیقی گفتگو بر عرف آمریکا و غربی ها پذیرش حرف های آنان در پای میز مذاکره است**

نکته ی سوم این است که مذاکره در عرف آمریکائی ها و قدرتهای سلطه گر به معنای این است که بیائید بنشینیم گفتگو کنیم تا شما حرف ما را قبول کنید – هدف مذاکره این است – بیائید بنشینیم حرف بزنیم تا بالاخره نتیجه ی این حرف زدن و گفتگو کردن این باشد که مطلبی را که شما قبول نمیکردید، حالا قبول کنید. همین حالا در تبلیغاتی که آمریکائی ها در مورد مذاکرات راه انداخته اند – که چند وقت است لابد میشنوید – و سرو صدا و هیاهو دارند که بله، با ایران مذاکره ی مستقیم کنیم، چه کنیم، در همین حرفهای امروز شان هم این معنا کاملاً خودش را نشان میدهد: بیائیم بنشینیم تا ایران را قانع کنیم که از غنی سازی دست بردارد؛ از انرژی هسته ای دست بردارد. هدف این است. نمیگویند بیائیم بنشینیم مذاکره کنیم تا ایران ادله ی خودش را بیان کند، ما از فشار روی مسئله ی هسته ای دست برداریم، از تحریم دست برداریم، از دخالت‌های امنیتی و سیاسی و غیره دست برداریم؛ میگویند بیائید مذاکره کنیم تا ایران حرف ما را قبول کند!

*** بی منطقی آمریکایی ها را در مذاکرات تجربه کرده ایم**

خب، این مذاکره که به دردمیخورد؛ این مذاکره که به جایی نمیرسد. حالا گیرم دولت ایران قبول کرد، رفتند نشستند با آمریکائی ها مذاکره کردند. وقتی هدف این است، این چه مذاکره ای است؟ خب، معلوم است که ایران از حقوق خودش دست بردار نیست. هر جایی که در اثنای مذاکره ببینند طرف مقابل يك حرف منطقی ای میزند و آنها کم می آورند، در مقابل ایران همان جا مذاکره را قطع میکنند؛ میگویند ایران حاضر نیست حرف بزند! شبکه های خبری و سیاسی هم دست آنهاست؛ تبلیغات میکنند. این را ما تجربه کردیم. در این ده پانزده سال گذشته، دوسه مرتبه اتفاق افتاد که آمریکائی ها سر يك موضوع مشخصی به مسئولین ما پیغام دادند، اصرار کردند که يك امر خیلی لازم فوری فوری واجبی است، بیاید بنشینیم يك صحبتی بکنیم. خب، مأمورین دولتی – معمولاً يك نفر، دونفر – رفتند يك جایی نشستند صحبت کردند؛ بمجرد اینکه حرف منطقی اینها بیان شد و آنها جوابی نداشتند، یکجانبه مذاکره ها قطع شد! البته استفاده ی تبلیغاتی شان را هم کردند. این، تجربه ی ماست. خب، «من جَرَبَ المجَرَّب حلت به الندامة».

*** وعده آمریکایی ها برای لغو تحریم هادر پی مذاکره وعده ای دروغ است**

نکته ی چهارم: در تبلیغات وانمود میکنند که اگر ایران با آمریکا سر میز مذاکره بنشیند، تحریم‌ها برداشته میشود. این هم دروغ است. هدفشان این است که با وعده ی برداشتن تحریم‌ها، ملت ایران را وادار کنند که اشتیاق به مذاکره ی با آمریکا پیدا کند. تصور آنها این است که ملت ایران دیگر از تحریم‌ها به ستوه آمده اند، پدرشان دارد در می آید، همه چیز به هم ریخته است؛ پس ما بگوئیم خیلی خوب، بیائید مذاکره کنید تا تحریم را برداریم، یکهو جمعیت ملت ایران راه بیفتند که بله، بیائید مذاکره کنیم.

این حرف هم از همان حرف‌های غیر منطقی و همراه با فریب و يك وسیله ای برای زورگوئی است. اولاً – همان طور که عرض کردیم – اینکه میگویند بیائید مذاکره کنیم، مقصودشان از مذاکره، واقعاً

يك گفتگوی عادلانه و منطقی نیست؛ مذاکره یعنی شما بیائید حرفهای ما را قبول کنید، تسلیم شوید، تا ما تحریم‌ها را برداریم. خب، اگر ملت ایران میخواستند تسلیم شوند، چرا انقلاب کردند؟ آمریکا بر اوضاع ایران مسلط بود و هر کار دلش میخواست، میکرد. ملت ایران انقلاب کردند برای اینکه از زیر یوغ آمریکا خارج شوند؛ حالا بیایند بنشینند باز مجدداً تسلیم شما شوند؟ این، اشکال اول.

*** تحریم ها با مذاکره بر داشته نخواهد شد، هدف تحریم ها چیز دیگری است**

اشکال بعد این است که تحریم‌ها با مذاکره برداشته نخواهد شد؛ این را من به شما عرض بکنم. هدف تحریم‌ها چیز دیگری است. هدف تحریم‌ها خسته کردن ملت ایران است، جدا کردن ملت ایران از نظام اسلامی است. مذاکره هم که انجام بگیرد، اگر ملت ایران باز در صحنه باقی باشد و بر حقوق خود اصرار بورزد، این تحریم‌ها وجود خواهد داشت. ملت ایران در مقابل این فکر غلط دشمن چه کار میکند؟

*** يك برداشت ذهنی دولتمردان آمریکایی که نیمی از آن در ست و نیمی دیگر غلط است**

ببینید، يك ملاحظه ای در ذهن طرف‌های مقابل ما هست که این ملاحظه را باز کنیم، تحلیل کنیم. آنها میگویند تکیه ی نظام جمهوری اسلامی به این مردم است؛ اگر توانستیم این مردم را از نظام جمهوری اسلامی جدا کنیم، قدرت مقاومت از نظام جمهوری اسلامی گرفته خواهد شد. این فکر طرف مقابل ماست. خب، این فکر دو قسمت دارد؛ يك قسمتش را درست فهمیدند، يك قسمتش را غلط فهمیدند، غلط کردند. آن قسمتی که درست فهمیدند، این است که بله، تکیه ی جمهوری اسلامی به این مردم است؛ پشتوانه ی نظام اسلامی، هیچ کس جز انبوه توده های عظیم ملت ایران نیست؛ حصار این کشور و این نظام، همین مردمند. آنچه که غلط فهمیدند، این است که خیال کردند با فشار تحریم، با زورگوئی در زمینه ی مسائل بین المللی و بازرگانی و تولید و غیره، خواهند توانست ملت ایران را به زانو در بیاورند و عاجز کنند. اگر فکر میکنند خواهند توانست این پشتوانه را از جمهوری اسلامی بگیرند، اینجارا اشتباه کرده اند.

*** ملت ایران در مقابل تحریم ها دور اده دارد**

بله، ملت ایران در مقابل آنچه که دشمن میخواهد انجام دهد، دنبال تدبیر خواهد بود. ملت ایران دنبال شکوفائی اقتصادی، رونق اقتصادی و رفاه کامل است؛ اما ملت ایران نمیخواهد این را از راه ذلت در مقابل دشمن به دست بیاورد؛ این را میخواهد با نیروی خود، با عزم خود، با شجاعت خود، با پیشروی خود، با توانائی جوانانش به دست آورد؛ لا غیر. بله، تحریم، فشار است، آزار است – شکی نیست – اما در مقابله ی با این فشار و آزار، دوره وجود دارد: ملت‌های ضعیف وقتی که دشمن فشار آورد، میروند در مقابل دشمن تسلیم میشوند، خشوع میکنند، توبه میکنند. اما ملت شجاعی مثل ایران بمجرد اینکه دید دشمن دار دفشار می آورد، سعی میکند نیروهای درونی خود را فعال کند، با قدرت و شجاعت از منطقه ی خطر عبور کند؛ و همین کار را خواهد کرد. این هم تجربه ی سی ساله ی ماست.

کشور‌هائی در همین منطقه ی ما هستند و سی و چند سال در مشّت آمریکا بودند، دولتهاشان نوکر و مطیع و فرمانبر آمریکا بودند؛ آنها کجا هستند؟ ملت ایران هم سی و چند سال در مقابل آمریکا ایستاده؛ ملت ایران کجاست؟ در مقابل سی سال فشار آمریکا، ملت ما از لحاظ پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی، آبروی بین المللی، نفوذ و اقتدار سیاسی، به جایی رسیده است که در دوران رژیم‌های پهلوی و قاجار

خوابش را هم نمیدیدند؛ نه مردم، نه مسئولان. ما تجربه کردیم، ما امتحان کردیم. سی سال ما در مقابل فشار های آمریکا ایستاده ایم، اینجا ئیم؛ ملت‌هائی هم هستند که سی سال تسلیم آمریکا شدند و مراحل متعددی عقبنند. ما بدی ندیدیم از ایستادگی، از مقاومت. مقاومت، نیروی درونی يك ملت را احیاء میکند و به فعلیت میرساند. همین تحریم هائی که می کنند، به كملك ملت ایران خواهد آمد و ملت ایران را به اذن الله و به حول و قوه ی الهی به رشد و شکوفائی خواهد رساند. این، نکته ی مهمی است.

*** نمی شود گفت مردم از گرانی و مشکلات شکایتی ندارند اما این موجب نشد که مردم بین خودشان و نظام اسلامی فاصله ببینند اند**

خب، امسال شما دیدید در این راهپیمائی، مردم چه کردند. نمیشود گفت مردم از گرانی و مشکلات شکایتی ندارند؛ چرا، گرانی هست، مشکلات اقتصادی هست، مردم هم آن را لمس میکنند – مخصوصاً طبقات ضعیف – اما این موجب نشد که مردم بین خودشان و نظام اسلامی فاصله ببیندازند. مردم میدانند که آن دست قدرتمندی که بتواند این مشکلات را حل کند، نظام اسلامی است؛ آن اسلام عزیز و اسلام مقتدر و مسئولانی است که به اسلام پایبندند؛ اینها میتوانند مشکلات را بر طرف کنند. تسلیم شدن در مقابل دشمنان، مشکلی را بر طرف نمیکند.

*** اشاره به نشانه هایی که اگر بروز کند می تواند نشان دهند محسن نیت دولتمردان آمریکایی باشد**

نکته ی آخر: ما بعکس آنها، منطقی هستیم. مسئولین ما منطقی اند، ملت ما منطقی اند. حرف منطقی و کار منطقی را ما قبول داریم. آمریکائی ها نشان بدهند که زور نمی گویند، نشان بدهند که شرارت نمی کنند، نشان بدهند که در حرف و عملشان غیر منطقی حرف نمی زنند و عمل نمی کنند، نشان بدهند که به حقوق ملت ایران احترام می گذارند، نشان بدهند که در منطقه آتش افروزی نمی کنند، نشان بدهند که در مسائل ملت ایران دخالت نمی کنند؛ آنچه‌ان که در فتنه ی ۸۸ دخالت کردند، از فتنه گران پشتیبانی کردند، شبکه های اجتماعی را در خدمت فتنه گران قرار دادند – يك شبکه اجتماعی آن روز‌ها می خواست برای تعمیرات تعطیل کند، گفتند تعطیل نکن؛ برای اینکه بتوانند روی فتنه و آتش فتنه اثر بگذارند! – این کار‌ها را نکنند، خواهند دید جمهوری اسلامی يك نظام خیر خواه است؛ مردم، مردم منطقی ای هستند. راه تعامل با جمهوری اسلامی فقط این چیزی است که گفتیم و لا غیر؛ از این راه میتوانند با جمهوری اسلامی تعامل داشته باشند. آمریکائی ها باید حسن نیت خودشان را اثبات کنند؛ نشان بدهند که در صدد زورگوئی نیستند. اگر چنانچه این را نشان دادند، آن وقت خواهند دید که ملت ایران پاسخ خواهد داد. شرارت نباشد، دخالت نباشد، زورگوئی نباشد، شناختن حقوق ملت ایران باشد، آن وقت جواب مناسب از طرف ایران داده خواهد شد.

*** قضیه نامناسبی که در مجلس پیش آمد هم ملت و هم نخبگان را ناراحت کرد**

يك نکته هم راجع به مسائل داخلی کشور مان عرض کنم، که این هم مسئله ی مهمی است. قضیه ای در مجلس پیش آمد؛ قضیه ی بدی بود، قضیه ی نامناسبی بود؛ هم ملت را ناراحت کرد، هم نخبگان را ناراحت کرد. بنده ی حقیر هم از دو جهت ناراحت شدم: هم خودم در مقابل این قضایا احساس تأثر میکنم؛ هم به خاطر ناراحتی مردم، انسان احساس تأثر میکند.

*** متأسفانه رئیس يك قوه به استناد يك اتهام ثابت نشده دو قوه دیگر را متهم ساخت که کاری بد، نامناسب، خلاف شرع، خلاف قانون، خلاف اخلاق و تضییع حقوق اساسی مردم بود**

فعال نصیحت می‌کنم

